

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قضیه کشمیر

(ترجمه)

خبر:

پاکستان به طور رسمی از شورای امنیت سازمان ملل درخواست کرده تا به دلیل تنش‌های اخیر با هند پس از حمله در منطقه پهلگام در ایالت جامو و کشمیر جلسه‌ای فوری برگزار کند. این درخواست در بیانیه‌ای از سوی دفتر نماینده دائم پاکستان در سازمان ملل منتشر شد که نسخه‌ای از آن در اختیار اناضول قرار گرفت. این کشور هشدار داده است که تنش‌های فزاینده میان پاکستان و هند، به‌ویژه در منطقه جامو و کشمیر تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌شمار می‌رود. بر اساس این بیانیه، نشست شورای امنیت قرار است در تاریخ ۵ می برگزار شود و پس از آن نماینده دائم پاکستان، عاصم افتخار احمد، بیانیه‌ای مطبوعاتی صادر خواهد کرد (رأی الیوم).

تبصره:

ای حاکمان خیانت‌پیشه پاکستان! چقدر شما مایه ننگ مسلمانان هستید؟! به‌جای آن‌که ارتش را برای آزادسازی کشمیر - بلکه تمام هند از چنگال هندوها - به میدان بفرستید، به سوی شورای امنیت استعمراری می‌دوید؛ همان نهادی که ابزار دست آمریکای کافر و استعمارگر است تا مسئله مسلمانان کشمیر را به‌نفع دشمن به پایان برساند!

ریشه قضیه کشمیر به حکام خائن پاکستان مربوط است؛ چنانچه ایوب خان پس از جنگ ۱۹۶۵، سه رودخانه‌ای را که حق پاکستان بود به هند واگذار کرد. یحیی‌خان و ذوالفقار علی بو تو پاکستان شرقی (بنگلهدیش امروزی) را در ۱۹۷۱ از دست دادند. در دوره ضیاءالحق، هندوها قله‌های «شیان‌شین» را اشغال کردند. در زمان نواز شریف، زمانی که مجاهدین و ارتش پاکستان در آستانه پیروزی و آزادسازی کشمیر از طریق تصرف ارتفاعات کارگیل در سال ۱۹۹۹ بودند، نواز شریف به دستور آمریکا به ارتش و مجاهدین فرمان عقب‌نشینی داد تا از نخست‌وزیر وقت هند «واجبایی» حمایت کند و در رقابت سیاسی با حزب کنگره، یک پیروزی تبلیغاتی برای او بسازد؛ بهایی که با خون مسلمانان پرداخت شد، و پرویز مشرف در ۲۰۰۴ برای اولین بار حق تعیین سرنوشت مردم کشمیر را نادیده گرفت و آنان را به دست هندوها سپرد. (برگرفته از کتاب مسائل سیاسی حزب التحریر)

و امروز می‌بینیم که این حکام خائن با شتاب به شورایی استعمراری پناه می‌برند که تصمیماتش بر اساس قانون کفرآمیز به‌نام "حقوق بین‌الملل" استوار است و تحت سلطه آمریکای جنایت‌کار قرار دارد که با هندوها مشارکت استراتژیک دارد. آن‌ها با بیانیه‌های ضعیف از «صلح» و «کاهش تنش» دم می‌زنند و می‌گویند: «پاسخ ما متناسب خواهد بود!» مگر می‌توان با یک کافر اشغال‌گر متجاوز که تو را در نگاه خود هیچ نمی‌انگارد، دم از صلح و کاهش تنش و پاسخ متقابل زد؟!!

وظیفه شرعی مسلمانان در قبال سرزمین اشغال شده این است که از نزدیک‌ترین منطقه جهاد و مبارزه را آغاز کنند تا این‌که تمام سرزمین‌های مسلمانان را از کفار پاک کنند، حتی اگر به قیمت میلیون‌ها شهید تمام شود، الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوهُمْ﴾ [بقره: 191]

ترجمه: و (چون جنگ درگرفت) هر جا آنان را دریاقتید ایشان را بکشید و از آن‌جا که بیرون‌تان رانده‌اند بیرون‌شان کنید.

و می‌فرماید:

﴿فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾ [بقره: 194]

ترجمه: هر که راه تعدی و تجاوز بر شما را در پیش گرفت بر او همانند آن تعدی و تجاوز کنید.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [نساء: 141]

ترجمه: و هرگز الله کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت.

پس آنچه از نظر شرع بر حاکمان پاکستان واجب است، به حرکت در آوردن ارتش عظیم خود به سوی کشمیر، بلکه سراسر هند برای آزدسازی آن از چنگال مشرکان است؛ نه این‌که مسائل ما را به دست کفار بسپارند و برای آنان سلطه‌ای بر ما قائل شوند؛ در حالی که الله سبحانه و تعالی چنین سلطه‌ای را حرام کرده است. اگر حاکمان پاکستان از فرمان الله تعالی سر باز زنند، بر ارتش است که آنان را سرنگون کند و حزب‌التحریر را برای برپایی خلافت راشده یاری رساند؛ خلافتی که الله سبحانه و تعالی در وعده آن فرموده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ [نور: 55]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد.

رسول الله صلی الله علیه و سلم بشارت داده‌اند:

«ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ النَّبِيِّ»

ترجمه: سپس سلطه‌ای جبری خواهد بود و تا زمانی که الله بخواهد ادامه می‌یابد، سپس آن را از میان برمی‌دارد، آن‌گاه خلافتی بر اساس منهج نبوت برقرار خواهد شد.

در آن هنگام، وعده نصرت الهی محقق خواهد شد:

﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بِنَصْرِ اللَّهِ يَبْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: ۴-۵]

ترجمه: در آن روز مؤمنان شادمان شوند، از یاری الله. الله هر کسی را که بخواهد یاری می‌دهد و او بس چیره و بسیار مهربان است.

و این بشارت پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز تحقق خواهد یافت که فرمودند:

«عَصَابَتَانِ مِنْ أُمَّتِي أَحْرَزَهُمَا اللَّهُ مِنَ النَّارِ: عَصَابَةٌ تَغْرُو الْهِنْدَ، وَعَصَابَةٌ تَكُونُ مَعَ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ»

ترجمه: دو گروه از امت من هستند که الله آنان را از آتش دوزخ حفظ می‌کند: گروهی که به جنگ هندوستان می‌روند و گروهی که همراه عیسی بن مریم علیهما السلام خواهند بود.

نویسنده: عبدالعزیز المنیس

مترجم: طه خالدی

10 ذی القعدة 1446 ه.ق.

8 می 2025 م.